

آسیب‌شناسی تربیت کودک بر اساس عامل‌های زمینه‌ای رفتاری والدین
از منظر امام علی (علیه السلام)

زینب رحیمی* / رضا کھساری** / نعمت ستوده اصل*** / رقیه خلیلی****

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۸

چکیده

یکی از اساسی‌ترین خصوصیات انسان تربیت‌پذیری اوست. انسان برای تکامل نیازمند تربیت است. تربیتی می‌تواند انسان را به تکامل برساند که علاوه بر طراحی و شناسایی شیوه‌های دقیق و کاربردی همواره چالش‌ها و آسیب‌های تربیت را رصد کند. شناخت عوامل آسیب‌زا، تعیین‌کننده ضوابط حاکم بر فرآیند تربیت است. با توجه به حساسیت دوران کودکی و گستره تربیت‌پذیری کودک از والدین، و جدایی ناپذیر بودن شیوه‌های تربیتی از حالات احساسی، هیجان‌ها، انگیزش‌ها و ادراکات والدین، آسیب‌شناسی خصوصیات شخصیتی و رفتاری والدین نقش مؤثری در افزایش کارآمدی تربیت کودک خواهد داشت. هدف پژوهش حاضر آسیب‌شناسی تربیت کودک بر اساس عامل‌های زمینه‌ای رفتاری والدین با تکیه بر کلام امام علی (علیه السلام) با روش توصیفی تحلیلی و برداشت مفهومی است. امام علی (علیه السلام) در عامل‌های زمینه‌ای با تاکید بر بُعد معرفتی و اعتقادی والدین، مهم‌ترین آسیب‌های تربیت را مربوط به این حوزه می‌داند که ابعاد مختلف تربیت عاطفی، اخلاقی، اجتماعی و معنوی کودک را متاثر می‌سازد. و در بُعد رفتاری بیشترین آسیب‌ها مربوط به خروج رفتارها از حالت تعادل و یا معدوم کردن رفتارها به واسطه غفلت از آنهاست. بنابراین بدون توجه به بُعد نگرشی و معنوی والدین و اصلاح ضعف معرفتی آنها، تربیت کودک هم‌چنان با آسیب‌ها و چالش‌های جدی مواجه خواهد بود.

واژگان کلیدی

آسیب، تربیت، رفتار، کودک، نهج البلاغه.

*. دانشجوی دکتری الهیات و علوم قرآن و حدیث، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.
z_rahimi_91@yahoo.com

** . استادیار الهیات و فلسفه و کلام، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران (نویسنده مسئول)
kohsari888@gmail.com

*** . دانشیار مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی، سمنان، ایران.
sotodeh1@yahoo.com

**** . دکتری الهیات و علوم قرآن و حدیث، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.
r.khalili89@gmail.com



مقدمه

تربیت از جمله مباحثی است که در طول تاریخ مورد توجه نوع بشر بوده و اقدام در جهت تربیت افراد آدمی در تمام جوامع ابتدایی و انسان‌های اولیه گرفته تا جوامع متمدن و انسان‌های فرهیخته، وجود داشته است. اگر چه تربیت در میان اقوام مختلف و در سیر تاریخی‌اش، ظهور و بروز متفاوتی داشته و به شیوه‌های گوناگون اعمال گردیده، اما تجلی تمامی این اقدامات، گویای درک انسان‌ها از ضرورت تربیت بوده است (رمضانی و حیدری، ۱۳۹۱، ص ۲) در واقع تربیت بر آموزش و بسترسازی برای رشد و پرورش استعدادهای انسانی در ابعاد فردی، اجتماعی، مادی و معنوی و شکوفایی استعدادهای بالقوه آدمی دلالت می‌کند. بنابراین مقوله تربیت از ابتدایی‌ترین و اساسی‌ترین نیازهای زندگی بشری است و نه تنها تربیت لازمه جدایی‌ناپذیر زندگی، که متن آن بوده و بلکه زندگی، از گهواره تا گورش جلوه‌ای از آن است و انسان تنها در پرتو تربیت صحیح است که به عنوان موجودی هدفمند و اندیشه‌ورز به اهداف و آرمان‌های خود دست یازیده و قله رفیع سعادت مطلوب خویش را فتح می‌نماید. بنابراین روی کردن به تربیت صحیح، پرداختن به ضروری‌ترین امور انسان و جامعه انسانی است، و رسالت همه پیام‌آوران الهی، تربیت انسان‌ها بوده است و این که موانع تربیت فطری را از سر راه آدمیان بردارند و آنان را از اسارت غیرحق برهانند و بستر مناسب سیر آنان به سوی کمال مطلق را فراهم نمایند. (خطبه ۱)^۱

البته باید توجه داشت با وجود این که امکان تربیت فرد در دوره‌های مختلف زندگی میسر است، اما ارزش و اهمیت تربیت در دوران کودکی با دوره‌های دیگر زندگی قابل مقایسه نیست. در این دوران جسم و جان کودک، برای پذیرش هر نوع تربیت خوب و بد آماده است و آن چه را که در این دوران می‌آموزد، در اعماق جانش نفوذ می‌کند و تا پایان عمر می‌تواند به‌آسانی آن را به کار بندد. به فرموده امام علی علیه السلام «دل کودک همچون زمین ناکشیده است؛ هر چه در آن افکنند بپذیرد»^۲ (نامه ۳۱) پس این دوران بهترین و مناسب‌ترین زمان برای شکل‌گیری شاکله و شخصیت کودک است، و از طرفی کودک، تنها در پرتو تربیت صحیح می‌تواند به عنوان موجودی هدفمند و اندیشه‌ورز به اهداف و آرمان‌های خود دست یابد و قله رفیع سعادت مطلوب خویش را فتح نماید. این مهم سبب شده است، دین مبین اسلام مسئله تربیت در دوران کودکی و نحوه تربیت را به شدت مدنظر قرار داده و آن را یکی از وظایف والدین و حقوق فرزندان برشمرد.

۱. «اصْطَفَى سُبْحَانَهُ مِنْ وَلَدِهِ أَنْبِيَاءَ أَخَذَ عَلَى الْوَحْيِ مِيثَاقَهُمْ، وَ عَلَى تَبْلِيغِ الرِّسَالَةِ أَمَانَتَهُمْ، لَمَّا بَدَّلَ أَكْثَرَ خَلْقِهِ عَهْدَ اللَّهِ إِلَيْهِمْ فَجَهِلُوا حَقَّهُ، وَ اتَّخَذُوا الْأَنْ دَادَ مَعَهُ، وَ اجْتَالَتْهُمْ الشَّيَاطِينُ عَنْ مَعْرِفَتِهِ، وَ اقْتَطَعَتْهُمْ عَنْ عِبَادَتِهِ. فَبَعَثَ فِيهِمْ رُسُلَهُ، وَ وَاتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ، لِيَسْتَأْذِنُوهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ، وَ يُذَكِّرُوهُمْ مَنْسِي نِعْمَتِهِ»

۲. «إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِيثِ كَالْأَرْضِ الْحَالِيَةِ مَا أَلْقَى فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ»



امام سجاد علیه السلام در رساله حقوق خود می‌فرماید: و اما حق فرزندان به تو این است که بدانی وجود او از تو است و نیک و بدهای او در این دنیا وابسته به تو است، بدانی که در حکومت پدری و سرپرستی او مؤاخذ و مسئولی، موظفی فرزندان را با آداب و اخلاق پسندیده پرورش دهی، او را به خداوند بزرگ راهنمایی کنی، و در اطاعت و بندگی پروردگار یاری نمائی، به رفتار خود در تربیت فرزندان توجه کنی. پدری باشی که به مسئولیت خویش آگاه است، می‌داند اگر نسبت به فرزند خود نیکی نماید در پیشگاه خداوند اجر و پاداش دارد، و اگر درباره او بدی کند مستحق مجازات و کیفر خواهد بود.^۱ (الحرزانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۶۳)

بدیهی است دستیابی به یک نظام کارآمد تربیتی نیازمند وضع، تدقیق، بازنگری، نقد و آسیب‌شناسی در اصول، روش‌ها، مؤلفه‌ها و به طور کلی همه‌جانبه‌نگری در حوزه‌های مختلف تربیت است. در این میان، شناخت عوامل آسیب‌زا در تربیت از مهم‌ترین مباحث تربیتی است زیرا تمامی والدین و مربیان دلسوز به دنبال آنند که اصول، روشها و راه‌های درست تربیتی را بیاموزند، آنها را اجرا کنند و مسئولیت خود را در برابر فرزندان و متربیان به نحو شایسته انجام دهند. این امر در گرو آسیب‌شناسی صحیح و به موقع است آسیب‌شناسی به موقع و اصولی، این امکان را به والدین می‌دهد که همواره از مسائل و مشکلات جاری کودکان خود مطلع باشند و از حاد شدن آن جلوگیری نمایند.

این امر در حالی است که یکی از ابعادی که اکثر والدین و مربیان در فرایند تربیت از آن غافلند، آسیب‌شناسی تربیت است، امری که بی توجهی به آن نه تنها متربی را به هدف نمی‌رساند بلکه می‌تواند آثار و پیامدهای سوئی به بار آورد که بسا تربیت نکردن به مراتب از تربیت ناآگاهانه ثمربخش‌تر باشد. لذا آسیب‌شناسی تربیت ضرورتی است که از بسیاری از کارها و اقدامات به ظاهر درست جلوگیری می‌کند و تعیین‌کننده ضوابط و هنجارهای حاکم بر فرایند تربیت خواهد بود. بر این اساس پژوهش حاضر، با محور قرار دادن این موضوع، درصدد بررسی این سوال اصلی است که چه آسیب‌هایی در مسیر تربیت کودک از پیش از تولد تا قبل از سن نوجوانی وجود دارد؟ در همین راستا، ابتدا به بررسی مفهوم تربیت و آسیب پرداخته می‌شود، سپس آسیب‌شناسی تربیت فرزند بر مبنای سخنان حضرت علی علیه السلام بر دو محور عامل‌های زمینه‌ای و عامل‌های رفتاری مورد بررسی قرار می‌گیرد. در شناخت آسیب‌ها، آن دسته از عوامل بررسی می‌شود که کارکردهای تربیتی کودک را مختل و به اثربخشی آنها به قدری صدمه می‌زند که کودک را به طور کلی از رشد سالم باز می‌دارد. گزینش آسیب‌ها بر مبنای کثرت تأکیدها و

۱. «وَ أَمَّا حَقُّ وَلَدِكَ فَتَعَلَّمْ أَنَّهُ مِنْكَ وَ مُضَافٌ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بِخَيْرِهِ وَ شَرِّهِ وَ أَنَّكَ مُسْتَوَلٌ عَمَّا وَ لِيَّتَهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَ الدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ وَ الْمُعُونَةَ لَهُ عَلَى طَاعَتِهِ فِيكَ وَ فِي نَفْسِهِ فَمُنَابٌ عَلَى ذَلِكَ وَ مُعَاقِبٌ فَاعْمَلْ فِي أَمْرِهِ عَمَلِ الْمُتَمَرِّينَ بِحُسْنِ أَثَرِهِ عَلَيْهِ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا الْمُعَدَّرِ إِلَى رَبِّهِ فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ بِحُسْنِ الْقِيَامِ عَلَيْهِ وَ الْأَخْذِ لَهُ مِنْهُ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ »



سفارشات معصومین (علیهم‌السلام) جهت اتخاذ عامل‌های خاص در تربیت کودک توسط والدین است. این تحقیق از نوع تحقیقات بنیادی و کاربردی بوده که با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و برداشت مفهومی، علاوه بر بررسی کتب تربیتی و روان‌شناسی جهت اشراف و شناسایی دقیق‌تر عوامل آسیب‌زا بر مبنای متون روایی و خاصه آموزه‌های تربیتی در کلام امام علی (علیه‌السلام) بصورت مستدل و مستند در صدد شناخت این آسیب‌ها در حوزه تربیت کودک است.

پیشینه تحقیق

در موضوع تربیت کودک مطالعات و پژوهش‌هایی مختلف صورت گرفته‌است. اما از جمله پژوهش‌های مرتبط، پایان‌نامه آسیب‌شناسی تربیت دینی در نوجوانان با رویکرد روایی از اکرم مقدسی راد (۱۳۹۴) است که با هدف شناسایی آسیب‌های کلی تربیت دینی در نوجوانان نگاشته شده است و نتایج تحقیق حاکی از این است که برخی آسیب‌ها از جانب خانواده برخی از جانب خانواده، برخی از جانب مدرسه و بخش دیگر از جانب جامعه و تهاجم فرهنگی به نوجوان اصابت می‌کند. این اثر اشاره‌ای به نقش اراده و خواست نوجوان در آسیب‌ها ندارد. دیگری مقاله آسیب‌شناسی تربیت دینی در حیطه فردی از منظر نهج البلاغه از صدیقه کاویانی و رضاعلی نوروزی (۱۳۹۷) است نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که در حیطه فردی، عقل‌گرایی محض، سطحی‌نگری، کمال‌گرایی افراطی، ظاهرسازی، خرافه و بدعت و سهل‌انگاری، آسیب‌رسان به تربیت دینی می‌باشند. بنابراین محققان به پژوهشی که آسیب‌ها را به شیوه پژوهش حاضر بررسی و بر مبنای عامل‌های مورد نظر ریشه‌یابی کند شناسایی نموده‌اند.

تربیت

تربیت عبارت است از فرایند تعاملی زمینه‌ساز تکوین و تعالی پیوسته هویت متریبان، به صورتی یکپارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی، به منظور هدایت ایشان در مسیر آماده شدن جهت تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبیه در همه ابعاد (سنگ‌سفیدی، میرزایی، عنایتی و فتحی، ۱۳۹۴)؛ و یا فراهم آوردن زمینه‌ها و عوامل به فعلیت رساندن یا شکوفا ساختن شخص در جهت رشد و تکامل اختیاری او به سوی هدف‌های مطلوب و بر اساس برنامه‌ای سنجیده شده (فرجی، ۱۳۹۴).

آسیب‌شناسی

آسیب‌شناسی در لغت به معنای زخم، عیب و نقص، صدمه رنج، گزند، زیان و ضرر (معین، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۰۶۳) آسیب‌شناسی، اصطلاحی است که در علوم پزشکی، روانشناسی و جامعه‌شناسی بیشتر

رواج دارد. در واقع، آسیب‌شناسی ریشه‌یونانی دارد و در واقع ترجمه اصطلاح پاتولوژی^۱ به معنای شناخت علل و عوامل آسیب و درد است. (آراسته خو، ۱۳۸۱، ص ۴۱) پس آسیب‌شناسی تربیت، مطالعه و کشف آسیب‌ها و آفات و موانع پنهان و آشکار و بالقوه یا بالفعلی است که در روند تربیت متربیان رخ می‌دهد و باعث به مخاطره افتادن تربیت کودک و کاهش کارایی آن می‌گردد.

نقش والدین در تربیت کودک

با آن که آدمی در مسیر زندگی از عوامل مختلفی تأثیر می‌پذیرد، اما خانه، نخستین و مهم‌ترین کانون برای تربیت فرزندان است و والدین، اولین مربیان این کانون مهم محسوب می‌شوند. کودک از والدین خود خصوصیات اخلاقی، عقیدتی، شخصیتی و سایر گرایش‌ها و نیازها را می‌آموزد و در این زمینه از آنان تقلید می‌کند، دامنه این تأثیرگذاری به حدی است که پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «كُلُّ مَوْلُودٍ يُولَدُ عَلَى الْفِطْرَةِ حَتَّىٰ يَكُونَ أَبَوَاهُ يَهُودًا أَوْ نَصْرَانِيَةً أَوْ مَجَسَّانَةً» (مجلسی، ج ۵۸، ص ۱۸۷) (هر مولودی بر فطرت الهی متولد می‌شود، مگر اینکه پدر و مادرش او را یهودی یا نصرانی یا مجوسی گردانند) امام علی علیه السلام نیز به عنوان یک انسان کامل در کمال صراحت از تربیت و پرورش خود در دوران خردسالی در دامن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سخن می‌گوید و به مربی لایق خود افتخار می‌کند.^۲ بنابراین خصوصیات شخصیتی، جهان‌بینی، اهداف، محیط زندگی و نوع رفتار والدین، عامل‌های تأثیرگذاری هستند که دل‌بی‌آلایش طفل را به صفات پسندیده یا ناپسند متصف می‌سازد و در وی تمایلات پسندیده یا ناروا پدید می‌آورد و اساس اولیه تربیت وی را بنیان می‌نهند. در ادامه به مهم‌ترین این عوامل بر اساس دو محور عوامل زمینه‌ای و رفتاری پرداخته می‌شود.

۱. pathology

۲. « وَصَعْنِي فِي [حَجْرِهِ] حَجْرِهِ وَ أَنَا وَلَدٌ [وُلِدْتُ] بِضَمِّينِي إِلَى صَدْرِهِ وَ يَكْتُمُنِي فِي فِرَاشِهِ وَ بِمَسْنِي جَسَدَهُ وَ يَشْمُنِي عَرْفَهُ وَ كَانَ يَمْضَعُ الشَّيْءَ ثُمَّ يَلْعَمُنِيهِ وَ مَا وَجَدَ لِي كَذْبَةً فِي قَوْلٍ وَ لَا خَطْلَةً فِي فِعْلٍ وَ لَقَدْ قَرَنَ اللَّهُ بِهِ ص مِنْ لَدُنْ أَنْ كَانَ فَطِيمًا أَعْظَمَ مَلِكٍ مِنْ مَلَائِكَتِهِ يَسْأَلُكَ بِه طَرِيقَ الْمَكَارِمِ وَ مَحَابِسِنَ أَخْلَاقِ الْعَالَمِ لَيْلَةً وَ نَهَارَةً وَ لَقَدْ كُنْتُ أَتَّبِعُهُ أَتْبَاعَ الْفَصِيلِ أَتْرَ أُمِّهِ يَرْفَعُ لِي فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ أَخْلَاقِهِ عِلْمًا وَ يَأْمُرُنِي بِالْإِقْتِدَاءِ بِهِ »^۲ شما موقعیت مرا نسبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله در خویشاوندی نزدیک، در مقام و منزلت ویژه می‌دانید، پیامبر صلی الله علیه و آله مرا در اتاق خویش می‌نشانید، در حالی که کودک بودم مرا در آغوش خود می‌گرفت، و در استراحتگاه مخصوص خود می‌خوابانید، بدنش را به بدن من می‌چسباند، و بوی پاکیزه خود را به من می‌بویاند، و گاهی غذایی را لقمه لقمه در دهانم می‌گذارد، هرگز دروغی در گفتار من، و اشتباهی در کردارم نیافت. از همان لحظه‌ای که پیامبر صلی الله علیه و آله را از شیر گرفتند، خداوند بزرگترین فرشته خود را مامور تربیت پیامبر صلی الله علیه و آله کرد تا شب و روز، او را به راه‌های بزرگواری و راستی و اخلاق نیکو راهنمایی کند، و من همواره با پیامبر بودم چونان فرزند که همواره با مادر است، پیامبر صلی الله علیه و آله هر روز نشانه تازه‌ای از اخلاق نیکو را برایم آشکار می‌فرمود، و به من فرمان می‌داد که به او اقتداء نمایم.

الف: آسیب‌شناسی عوامل زمینه‌ای

بی‌شک، تربیت اصولی و صحیح به عوامل مختلفی بستگی دارد که ممکن است برخی از آن‌ها خارج از کنترل انسان باشد و حتی به دوران قبل از حیات وی برگردد. بنابراین کودکی که هسته وجودی خود را از والدین می‌گیرد و بخصوص در دوران ابتدایی زندگی اش همواره با آنها در کنش و ارتباط مستقیم و دائمی است بسیاری از آنچه مانع تربیت صحیح است بدین طریق بر وی تحمیل می‌گردد. این عوامل که برخی از آن برخاسته از خصوصیات روحی روانی و معنوی شخصیت والدین و برخی از آن به نحوه عملکرد ایشان از ازدواج تا تولد کودک را شامل می‌شود تحت عنوان عوامل زمینه‌ای در بحث پیش رو تبیین می‌گردد. از جمله این عوامل عبارتند از:

۱. وراثت

وراثت، انتقال یافتن صفات و خصوصیات از یک اصل از موجود زنده به نسل است. خواه این صفات و خصوصیات مختص آن نسل باشد و خواه مشترک میان تمام افراد یا بخشی از آنها. (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹، ص ۱۹۵-۱۹۶) در واقع، وراثت عامل انتقال صفات، خصوصیات و ویژگی‌های غیر اکتسابی از والدین و اجداد به انسان است. قرآن به مسئله تأثیر ژنتیک و انتقال خصوصیات اخلاقی در شخصیت افراد اشاره می‌کند و می‌فرماید: «وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاَجْرًا كَثِيرًا» (قرآن کریم ۲۷: ۷۱) (و جز نسلی فاجر و کافر به وجود نمی‌آورند). لذا اسلام خطاب به والدین قبل از بچه‌دار شدن و حتی قبل از انتخاب همسر توصیه‌های را بیان می‌کند، از جمله این موارد انتخاب همسر شایسته است، زیرا با انتخاب همسر، پرونده عوامل ارثی بسته می‌شود، بنابراین انتخاب همسری که از لحاظ روحی، روانی و معنوی تربیت یافته نباشد بسیار آسیب‌زننده است. به واسطه نقش خاص زن در تربیت و پرورش کودک از نظر اسلام انتخاب زن بیش از انتخاب شوهر اهمیت دارد، لذا تأکید شده است برای نطفه‌های خود جای مناسبی اختیار نمایید. خداوند می‌فرماید: «وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبَتْ لَا يَخْرُجُ إِلَّا كَيْدًا» (قرآن کریم ۷: ۵۸) (زمین پاک نیکو گیاهش به اذن پروردگار نیکو برآید و زمین خشن ناپاک بیرون نیاورد جز گیاه اندک و کم اثر). امام صادق (علیه السلام) در بازداشتن ازدواج با افراد احمق می‌فرماید: «إِيَّاكُمْ وَتَرْوُجُ الْحَمَقَاءِ فَإِنَّ صِبْغَهَا بَلَاءٌ وَوَلَدُهَا ضَيَاعٌ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۸۴) (از ازدواج با افراد احمق و نادان خودداری کنید؛ زیرا هم نشینی با آنها بلاست و فرزندانشان تباه می‌شوند).

۲. عدم خود سازی و آمادگی پذیرش نقش تربیتی (والدینی)

تربیت اخلاقی و دینی مشتمل بر دو عرصه خودسازی و دیگرسازی است، که به فرموده امام علی (علیه السلام) عرصه اول یعنی خودسازی، بر عرصه دوم مقدم است. « مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَ لِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ لِنَفْسِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ وَ مُعَلِّمَ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبَهَا أَحَقَّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ » (هر کس خود را پیشوای مردم قرار دهد، لازم است پیش از آموزش دادن به دیگری به آموزش خود بپردازد و پیش از تربیت کردن به گفتار، با شیوه رفتار به تربیت دست زند.) (حکمت ۷۳) بنابراین هر زن و مرد آماده پذیرش نقش والدینی، باید بدانند در این دو حوزه مسئولند، کوتاهی کردن در تربیت فردی خویش، باعث انتقال همان صفات ناشایست به فرزندان می شود و از سوی دیگر حتی در صورت دعوت زبانی کودک به اعمال شایسته، کودک به واسطه عدم همخوانی گفتار و عمل والدینش دچار اختلال و سرگردانی می شود. از جمله آسیب هایی که از این باب متوجه تربیت کودک می شود، در کلام امام علی (علیه السلام) می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

الف. ضعف معرفتی و اعتقادی

یکی از مهم ترین ابعاد خودسازی، شناخت خویشتن حقیقی خویش، دیدگاه صحیح نسبت به هدف آفرینش و خلقت آدمی، ماهیت دنیا و تفسیر آنها از حیات و مرگ است، موضوعاتی که دیدگاه نادرست والدین نسبت به آن، که تأثیر چشمگیری بر ابعاد مختلف شخصیت و روابط انسانی آنها و بالتبع فرزندان شان دارد. که در ادامه به اهم این موارد پرداخته می شود.

۱- عدم شناخت خویشتن خویش

از جمله مهمترین اهداف تربیتی در اسلام، شناخت خویشتن یا معرفت نفس است، در واقع سیر هدایت و تربیت در قرآن به گونه ای است که انسان خود را کشف کند، شناختی که در سایه آن انسان احساس کرامت و شرافت می کند، مقدسات اخلاقی و اجتماعی برایش معنا پیدا می کند و نهایت اینکه معرفت نفس زیر بنای سعادت فرد در همه شئون مادی و معنوی است. (مطهری، ۱۳۶۹، ص ۲۷) بنابراین فقدان این معرفت باعث می شود فرد به ورطه ضلالت و گمراهی گرفتار شود. (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۲۳۴)^۱ و بدین طریق زمینه هلاکت و نابودی خود را فراهم می آورد. امام علی (علیه السلام) می فرماید:

۱. « مَنْ لَمْ يَعْرِفْ نَفْسَهُ بَعْدَ عَن سَبِيلِ النَّجَاةِ وَ حَبَطَ فِي الضَّلَالِ وَ الْجَهَالَاتِ » (کسی که خود را نشناسد از مسیر صحیح و نجات بخش دور می گردد و به راه گمراهی و نادانها می گراید)



«هَلَكَ أَمْرُؤَلَمْ يَعْرِفْ قَدْرَهُ» (کسی که ارزش خود را نشناخته، خود را نابود ساخته است). (حکمت ۱۳۶)

۲. ضعف در ایمان و تقوی

آسیب دیگر این فراز، عدم تجهیز والدین به سپر ایمان و تقوی است. تجلی تقوی در شخصیت، فرایندی تربیتی است و نیازمند برنامه‌ریزی دقیق است؛ نقطه آغاز و مراحل سیر معنوی که پشتوانه تربیت صحیح است را کودک باید از والدین وارسته، که خود راه را طی کرده‌اند فرا گیرند. نکته قابل توجه اینکه بین تقوا و تعامل سالم رابطه دو سویه وجود دارد، و گزاره‌های دینی، نه تنها ایمان و تقوی را عامل مؤثر در شکل‌گیری و پایبندی به تعامل سالم و تربیت اجتماعی صحیح برشمرده است. (قرآن کریم ۲: ۱۷۷، ۲۲: ۳۲، حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۵۳) بلکه فقدان این دو را هم سبب شانه خالی کردن از مسئولیت‌ها معرفی کرده و هم امری که به امور دنیوی و به وظایف فردی و اجتماعی نیز خدشه وارد می‌سازد. (قرآن کریم ۷-۹۱: ۸، ۱-۱۰۷: ۳) بنابراین در متون دینی، تقوا در سلامت روابط بین فردی نقش اصلی را بر عهده دارد. به عبارتی یکی از ثمرات تقوی تربیت صحیح عاطفی و اجتماعی است، به این معنا که تقوی هم‌چون چتری بر سر روابط انسانی تأمین‌کننده سلامت معنوی بین آنهاست. (فانی، مهدی؛ ۱۳۹۶، دوره ۴، شماره ۱) یکی از آیاتی که بر این نقش تأکید می‌ورزد. آیه ۲ سوره مائده است: «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (در نیکوکاری و پرهیزکاری با یکدیگر همکاری کنید، و در گناه و تعدی دستیار هم نشوید، و از خدا پروا کنید که خدا سخت‌گیر است). علاوه بر آن فرد باید بتواند عواطف و احساسات خود را کنترل کند و بر حس استیثار، خودگزینی، لذت و منفعت طلبی شخصی و... غلبه نماید، در این راستا گزاره‌های دینی نگاهی ارزشی و معنوی، به تعاون، ایثار، نوع‌دوستی و و دگرخواهی و... به عنوان نمونه‌هایی از اهداف تربیت اجتماعی می‌دهد و با پیوند این عامل با ایمان و سعادت اخروی^۱، باعث تقویت و گسترش این رفتارها در نزد دینداران و پرورش شایسته شخصیت و تربیت انسانهای نیکو صفت می‌شود. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «الْإِيثَارُ سِمَةُ الْأَبْرَارِ، وَشِمَةُ الْأَخْيَارِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۹۶) (ایثار، خوی نیکوکاران و شیوه نیکان است). پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم)

۱. «أَرَيْتَ الَّذِي يَكْذِبُ بِالْدِّينِ - فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ - وَ لَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ»

۲. امام علی (علیه السلام) در پاداش اخروی افراد نوع‌دوست می‌فرماید: «فَوَالَّذِي وَسِعَ سَمْعُهُ الْأَصْوَاتَ مَا مِنْ أَحَدٍ أَوْدَعَ قَلْبًا سُورًا إِلَّا وَخَلَقَ اللَّهُ لَهُ مِنْ ذَلِكَ السُّرُورَ لُطْفًا فَإِذَا تَرَكْتُ بِهِ نَائِبَةً جَرَى إِلَيْهَا كَالْمَاءِ فِي أَنْجِدَارِهِ حَتَّى يَطْرُقَهَا عَنْهُ كَمَا تَطْرُقُ غَرِيبَةَ الْإِبِلِ» (سرگند به خدایی که تمام صداها را می‌شنود هر کس دلی را شاد کند، خداوند از آن شادی لطفی برای او قرار دهد که به هنگام مصیبت چون آب زلالی بر او باریدن گرفته و تلخی مصیبت را بزدايد چنان که شتر غریبه را از چراگاه دور سازند).

نیز فرموده است: «مَنْ أَصْبَحَ وَلَمْ يُهَيِّمْ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ». (نوری، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۲، ص ۳۸۳) (کسی که روز را آغاز کند و در حل مشکلات مسلمانان اقدام نکند مسلمان نیست). با این توضیح نبودن تقوی این ابعاد از سلامت و تربیت را با چالش جدی روبرو خواهد ساخت.

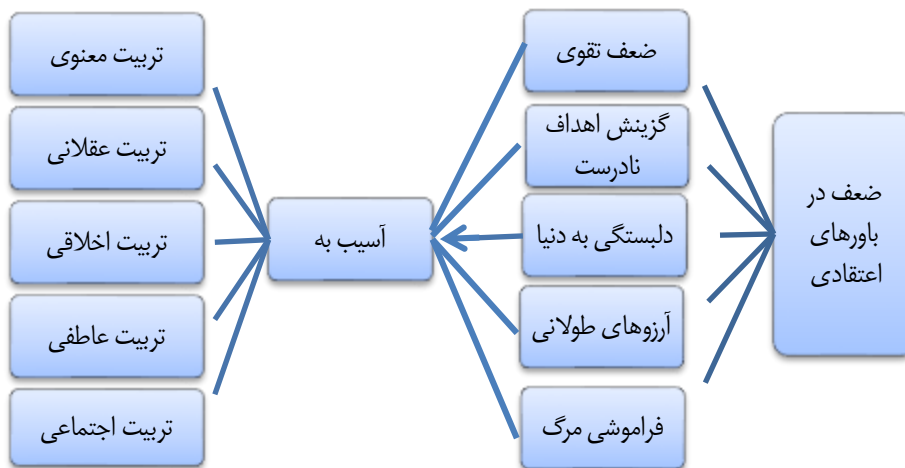
۳- گزینش اهداف نادرست

از منظر امام علی علیه السلام داشتن اهداف درست و والا از ضروریات زندگی هر فردی است و بدترین حالت برای آدمی زمانی است که به خاطر نداشتن اهداف درست، گرفتار احساس بیهودگی و بلا تکلیفی گردد. بی توجهی به این نکته و گزینش اهداف نادرست باعث می شود فرد نهایت موفقیت و والاترین اهداف خود را در بهره‌مندی هر چه بیشتر از امکانات این جهان تصور نماید. این گونه اهداف و چنین زیستنی، حیاتی حیوانی است. «إِنَّ الْبَهَائِمَ مَهْمَا بَطُونُهَا، وَإِنَّ السَّبَاعَ مَهْمَا الْعُدْوَانُ عَلَىٰ غَيْرِهَا» (خطبه ۱۵۳) (بی‌گمان چارپایان تنها خواست‌شان پرکردن شکم‌هاشان باشد؛ و همه درندگان تجاوز کردن به دیگر جانوران.) از طرفی، فردی که در دام زینت‌های ارضی گرفتار است و موفقیت در زندگی را در گرو دستیابی به آرزوها می‌داند، چنان ماده پرست و خودخواه بار می‌آید که از هر راه و وسیله‌ای برای رسیدن به مقصود استفاده می‌کند. این جاست که صحت و سقم عمل فراموش می‌شود و کم‌کاری و کوتاهی در انجام وظایف، تقلب و سوء استفاده ... دامن مردمان را به آتش می‌کشد. امام علی علیه السلام با اشاره به این مطلب می‌فرماید: «مَنْ أَطَالَ الْأَمَلَ أَسَاءَ الْعَمَلَ» (حکمت ۳۱)

۴. غفلت از مرگ

مرگ‌اندیشی و باور حیات اخروی، تأثیری چشمگیر بر تربیت و در نتیجه بر رفتار و معنابخشی به زندگی دارد. زمانی که امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید دنیا ناپایدار، نیرنگبازی است فریبنده و فریبنده‌ای است زود رونده و در هم تنیده با مرگ (خطبه ۲۳۱، خطبه ۸۱، خطبه ۱۹۰)، یکی از مهم‌ترین قید و بندهای بُعد معرفتی تربیت را وضع می‌کند تا مبدا عدم معرفت به آن آسیب‌های پیش گفته را به بار آورد. نمودار صفحه بعد، آسیب‌های وارده از ضعف در باورهای اعتقادی را نشان می‌دهد.

نمودار (۱) آسیب‌های وارده از ضعف در باورهای اعتقادی



ب. توجه به مراقبت‌ها و شرایط انعقاد نطفه

زوجین بخصوص در زمان انعقاد نطفه باید مراقبت‌هایی را به عمل آورند که رعایت آن در تربیت‌پذیری و در نهایت سعادت کودک تأثیر چشمگیری دارد. (طبرسی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۴۱۱-۴۱۸) به عنوان نمونه اسلام به والدین توصیه می‌کند در زمان انعقاد نطفه فرزند حالات جسمی و روانی آنها از نظر شرعی و علمی مطلوب باشد؛ زیرا همه این عوامل در تکوین کودک و ویژگی جسمی و اخلاقی وی مؤثر است و نادیده گرفتن آنها پیامدهای سوئی در پی دارد که بدون شک موجب ندامت والدین و به زیان کودک تمام خواهد شد. (بابازاده، ۱۳۷۵، ص ۷۵) وقتی انسان می‌خواهد با عیال شرعی خود نزدیکی کند، اگر (بسم الله) نگوید، شیطان حاضر می‌شود و با آن مرد همکاری کرده و در نطفه او شرکت می‌کند. (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۱۸۳)

ج. تغذیه حرام و ناسالم

گزاره‌های دینی حاکی از آن است که چگونگی و کیفیت تغذیه، نوع غذاها اعم از غذاهای حلال و یا حرام، کهنه و فاسد، مباح و... در دوران بارداری و حتی پیش از آن، تأثیر بسزایی در روند تکامل یا اضمحلال جسم، روح و روان ذریه انسان دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «أَدْبُوا أَوْلَادَكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِهِمْ قِيلَ: وَكَيْفَ ذَلِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَقَالَ: بِأَطْعَامِهِمُ الْحَلَالَ» فرزندانتان را در رحم مادرانشان تربیت کنید. سؤال شد: این چگونه است، ای رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: با خوراندن غذای حلال به مادرش). بنابراین یکی از عوامل آسیب‌زای

به تربیت عدم توجه مادران به تغذیه، بخصوص در دو مقطع جنینی و شیردهی کودک و پدران در تامین رزق حلال است. وقایع تاریخی نشان می‌دهد بسیاری از ناهنجاری فردی و اجتماعی و عقیدتی بر اثر غذاهایی است که به گونه‌ای از راه حرام به دست آمده است و در خانواده‌ها به مصرف می‌رسد. امام حسین علیه السلام در روز عاشورا به یکی از عوامل عدم پذیرش سخن حق توسط لشکر مقابلش اشاره نموده و می‌فرماید: «كُلُّكُمْ... غَيْرُ مُسْتَمِعٍ قَوْلِي فَقَدْ مَلِئْتُ بُطُونَكُمْ مِنَ الْحَرَامِ وَطَبَعَ عَلَى قُلُوبِكُمْ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۵، ص: ۸) (آری شما حاضر به شنیدن سخن حق نیستند زیرا شکم های شما از غذاهای حرام پر شده است در نتیجه خداوند بر دل‌های شما مهر زده است و هرگز حقایق را درك نمی‌کنید)

د. غفلت از دعا و درخواست فرزند صالح از خداوند

دعا به درگاه خداوند برای فرزند صالح یکی از اهداف اساسی در نظام‌های تربیتی بشری است. خداوند یکی از صفات «عباد الرحمان» را طلب فرزند صالح معرفی نموده و می‌فرماید: «وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا» (قرآن کریم ۳۵: ۷۴) (و کسانی که می‌گویند: پروردگارا! به ما از همسران و فرزندانمان آن ده که مایه روشن‌ی چشمان ما باشد و ما را پیشوای پرهیزکاران گردان) امام علی علیه السلام نیز در این مورد می‌فرماید: «مَسَأَلْتُ رَبِّي أَوْلَادًا نَضَّرَ الْوَجْهَ وَلَا سَأَلْتُهُ وَلَدًا حَسَنَ الْقَامَةِ وَ لَكِن سَأَلْتُ رَبِّي أَوْلَادًا مُطِيعِينَ لِلَّهِ وَجَلِيلِينَ مِنْهُ حَتَّى إِذَا نَظَرْتُ إِلَيْهِ وَهُوَ مُطِيعٌ لِلَّهِ قَرَّتْ عَيْنِي» (مجلسی، ج ۱۰۱، ص ۹۸) (من از خداوند طلب فرزندان زیبا چهره و نیکو قامت ننموده‌ام، بلکه از پروردگارم خواسته‌ام تا فرزندانم مطیع او باشند و از او بترسند تا اینکه وقتی با این صفات به آنها نظر افکنم مایه چشم روشنی من باشند.) این آیات و روایات حاکی از این است که دعا می‌تواند نقش مهمی در آینده کودک داشته‌باشد، چه بسا یک دعای پدر و مادر از سر سوز در حق فرزند سرنوشت او را دگرگون سازد. بدیهی است منظور آیه، گوشه نشینی و اکتفا کردن به دعا نیست، بلکه ارتباط با خدا دلیل شوق و اشتیاق درونی آنان به تربیت فرزندان و رمز تلاش و اهتمام آنان است. این گونه انسان‌ها از آنچه در توان دارند، در رشد فکری، ایمانی و اخلاقی فرزندان و آشنایی آنان با راه‌های حق و چشمه‌های فضل و فضیلت مضایقه نمی‌نمایند و از خدای خویش می‌خواهند تا لطف خود را در این خصوص شامل حالشان بنماید. (قاضی، ۱۳۷۰، ص ۲۰۴) بنابراین بی‌توجهی و غفلت از و حمایت‌گری پروردگار، سبب محرومیت از این عنایت الهی و شاید فراهم کردن زمینه فعالیت صف بستگان در مقابل خیر و سعادت انسانها؛ یعنی شیاطین و سپاهیان‌ش شود که به نحو اقتضا و خواست یا غفلت انسان می‌توانند در تربیت وی دخیل شوند. خداوند



در این باره می‌فرماید: «اسْتَفْزَزَ مَنْ اسْتَطَعَتْ مِنْهُمْ بَصُوتَكَ وَاجْلَبَ عَلَيْهِمْ بِحَيْلِكَ وَرَجَلِكَ وَشَارَكَهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعِدَّتُهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا عُرُورًا إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ وَكُنِّي بِرَبِّكَ وَكَيْلًا» (و از آنان هر که را توانستی با آوای خود تحریک کن و با سواران و پیادگانت بر ایشان بتاز و با آنان در اموال و اولاد شرکت کن و به ایشان وعده بده و شیطان جز فریب به آنان وعده‌ای نمی‌دهد. در حقیقت تو را بر بندگان من تسلطی نیست، و حمایت‌گری چون پروردگارت بس است.) (قرآن کریم ۱۷: ۶۵)

ب: آسیب‌شناسی عوامل رفتاری

تربیت کودک علاوه بر اینکه تحت تأثیر عوامل و شرایطی است که والدین قبل از تولد برای او فراهم کرده‌اند، بعد از تولد نیز نحوه عملکرد و رفتار والدین با کودکان به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم در تربیت کودک اثر می‌گذارد، در واقع در دوران ابتدایی زندگی کودک که وی همواره با والدینش در کنش و ارتباط مستقیم و دائمی است، رفتارهای والدین تأثیر بسیار عمیقی در پرورش فضائل اخلاقی یا رشد رذائل در کودک دارد. اهمیت این موضوع زمانی آشکار می‌شود که توجه داشته باشیم، اولاد کودک بسیار اثرپذیر است و ثنیا آثاری که در آن سن و سال در روح او نفوذ می‌کند، ماندنی و پابرجاست. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۴) امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «الْعِلْمُ (فِي) الصِّغَرِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ» (مجلسی، ج ۱، ص ۲۲۴) (تعلیم در کودکی همانند نقشی است که روی سنگ کنده می‌شود) از آنجا که دامنه رفتاری والدین بسیار وسیع و گسترده است هدف این بحث شناخت آن دسته از آسیب‌های رفتاری است که ایجاد بحران کرده، کارکردهای تربیتی کودک را مختل و به اثربخشی آن به صدمه می‌زند به طور کلی وی را از رشد سالم بازمی‌دارد. از جمله این موارد در گزاره‌های دینی عبارتند از:

۱- افراط و تفریط در پرداختن به آداب و شعائر دینی

از نظر علم و دین، انسان غریزه‌ای دارد به نام غریزه مذهب (قرآن کریم ۳۰: ۳۰)^۱ انسان مانند لوح سفید به دنیا نمی‌آید بلکه از آغاز اندیشه، بینش‌ها و گرایش‌های خدادادی خاصی را به همراه دارد که انتخاب‌ها و افعال او را در طول زندگی جهت می‌دهد. به فرموده امام علی (علیه السلام) خدای متعال همه موجودات را به آفرینشی مخصوص داشته است که به سبب آن آفرینش به سوی مطلوب خویش سیر کنند و به کمال حقیقی خود برسند «فَطَرَ الْخَلَائِقَ بِقُدْرَتِهِ» (خطبه ۱) (به قدرتش خلائق را بیافرید و

۱. «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَرِيمُ»

مفطور به فطرتی ساخت). بر این اساس در سیره معصومین (علیهم‌السلام) مناسکی یافت می‌شود که رعایت آنها، زمینه را برای تربیت در مراحل بعدی فراهم می‌کند. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در سفارشی به حضرت علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «يَا عَلِيُّ إِذَا وُلِدَ لَكَ غُلَامٌ أَوْ جَارِيَةٌ فَأُذِنَ فِي أُذُنِهِ الْيَمْنَى وَأَقِمِ فِي الْيُسْرَى فَإِنَّهُ لَا يَضُرُّهُ الشَّيْطَانُ أَبَدًا» (الحزّانی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۳) (هر گاه صاحب پسر یا دختر شدی، در گوش راست او اذان و در گوش چپ او اقامه بگو که اگر چنین کردی هرگز شیطان به او ضرری نخواهد رساند). اگر چه تأثیر روحی-روانی و آثار احتمالی این امر هنوز به طور کامل روشن نیست، اما پژوهشگران اثبات کرده‌اند اولین عضوی که بعد از تولد کارش را آغاز می‌کند گوش است، او صدا را به مغز منتقل می‌کند و مغز آن را در خود حفظ می‌کند. (زهرة کاشانی، ۱۳۸۸، ۱۶۹ — ۲۰۲) علاوه بر این، کام برداشتن از نوزاد، پوشاندن او در لباس سفید، و در سنین بالاتر القای باورها و رفتارهای معنوی و ایمانی چون باز گفتن نام خدا در هنگام غذا خوردن، نماز خواندن، دادن خیرات، دستگیری از فقرا و... برای کودکی که لحظه به لحظه در حال الگوبرداری است، خواص و آثاری دارد که در سه مقوله: بهداشتی، روحی-روانی و اجتماعی-عاطفی تربیت قابل تامل و تفحص است. به عنوان نمونه امام علی (علیه‌السلام) در خطبه ۲۲۴ سخنی را بیان می‌فرماید که حاکی از این است که اگر کودک از ایمان عاطفی برخوردار شود، هیچ ثروت و قدرتی نمیتواند او را منحرف سازد، اما اگر ایمان عاطفی نداشته باشد با کوچکترین ناهنجاری به بیراهه می‌رود. حضرت (علیه‌السلام) می‌فرماید: « وَاللَّهِ لَوْ أُعْطِيَ الْأَقَالِمَ السَّبْعَةَ بِمَا نَحْتُ أَفَلَا كِهَا عَلِيٌّ أَنْ أُغْصِيَ اللَّهُ فِي مَمْلَكَةٍ أَسْلَبَهَا جَلْبَ شَعِيرَةٍ » (خطبه ۲۲۴) (بخدا سوگند! اگر هفت اقلیم را با آنچه در زیر آسمانهاست به من دهند تا خدا را نافرمانی کنم که پوست جوای را از مورچه ای ناروا بگیرم، چنین نخواهم کرد،) مؤید دیگر این قضیه حضرت یوسف (علیه‌السلام) است زمانی که در سن ۹ سالگی به چاه افکنده شد، از کودکی که در این شرایط است جز اضطراب و جزع انتظار دیگری نیست، اما نیروی ایمان در وی تأثیر عجیبی دارد، در روایت است که: موقعی که یوسف را از چاه، خارج کردند و بغلامی معامله نمودند یکی از حضار، بوضع کودک، رقت کرد و از روی رأفت و مهربانی گفت: نسبت باین طفل غریب، نیکی کنید. یوسف که این جمله را شنید با اطمینان خاطر و آرامش روان، گفت: آن کس که با خدا است گرفتار غربت و تنهائی نیست. (مجلسی، ج ۲۶، ص ۲۹۳) بنابراین در وهله نخست، عدم التفات والدین به پرورش عواطف دینی میتواند به تربیت کودک آسیب رساند. البته باید توجه داشت، افراط و اجبار کودک در پذیرش و عمل به احکام شرعی و مذهبی نیز میتواند آسیب‌رسان باشد، بر این اساس که تربیت دینی کودک در دوران قبل از دبستان

محدود به انس با مسائل مذهبی و زمینه سازی برای انجام فرائض دینی در مراتب بالاتر است. بنابراین مکلف کردن کودک به اعمالی که هنوز برایش وجوب شرعی ندارد یا خارج از توان وی است، سبب تفرغ و تلخ شدن چهره دین نزد کودک می‌شود. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: « اَنَا تُأْمَرُ صَبِيًّا بِالصَّلَاةِ وَالصِّيَامِ مَا أَطَاقُوا مِنْهُ إِذَا كَانُوا أَبْنَاءَ سَبْعِ سِنِينَ » (مجلسی، ج ۸۵، ص ۱۳۴) (ما هنگامی که کودکان مان هفت ساله می‌شوند به اندازه ای که طاقت دارند آنان را به انجام نماز و روزه فرمان می‌دهیم) امام علی (علیه السلام) نیز درباره پیامد تحمیل تکلف می‌فرماید: « فَلَا تُحْمَلَنَّ عَلَى ظَهْرِكَ فَوْقَ بَلَاغِكَ. فَيَكُونُ ثِقِيلًا وَوَبَالَآ عَلَيْكَ » (نامه ۳۱) (بیش از تحمل خود بار مسئولیت به دوش مگیر، که سنگینی آن برای تو عذاب آور است)

۲- انتخاب دایه ناشایست

از نظر اسلام، شیر شیره دهنده در سرنوشت و آینده کودک اثر گذار است و به همین خاطر سفارش می‌شود اگر والدین مجبور به گرفتن دایه برای فرزندشان شدند آن فرد باید دارای شرایط خاص جسمی، روحی روانی و معنوی باشد. امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: «تَخَيَّرُوا لِلرِّضَاعِ كَمَا تَتَخَيَّرُونَ لِلنِّكَاحِ، فَإِنَّ الرِّضَاعَ يَغَيِّرُ الطَّبَاعَ» (قمی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱، ص ۵۲۳) (در امر دایه و شیر دادن کودک دقت کنید و بهترین افراد را انتخاب کنید، هم چنان که در انتخاب همسر دقت می‌کنید؛ زیرا شیر دادن، طبیعت کودک را تغییر می‌دهد). بر این مبنا، دایه می‌تواند ابعاد مختلف شخصیت و خصوصیات خود را به کودک منتقل کند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) شیر را موجب تغییر طبع و خلق و خوی کودک دانسته است، لذا در ویژگی‌های آسیب زننده دایه‌ها می‌فرماید: «لَا تُسْرَضُوا الْحَمَاءَ فَإِنَّ اللَّبْنَ يَغْدِي وَإِنَّ الْغَلَامَ يَنْزِعُ إِلَى اللَّبَنِ يَغْنِي إِلَى الظُّرْفِ فِي الرُّعُونَةِ وَالْحُمُقِ» (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۶، ص ۴۳) (از زن احمق و زنی که چشمش ضعیف است و آب ریزش دارد، درخواست شیر نکنند؛ زیرا شیر ویژگی‌های دایه را سرایت می‌دهد). ایشان هم چنین می‌فرماید: «تَوَقَّوْا عَلَى أَوْلَادِكُمْ مِنْ لَبَنِ الْبَغِيَّةِ وَالْحُجُونَةِ فَإِنَّ اللَّبْنَ يَغْدِي» (نسبت به فرزندانان از شیر زن زناکار و دیوانه بپرهیزید؛ زیرا شیر سرایت دهنده صفات است) (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۲۲۳)

۳- افراط و تفریط در محبت و تکریم کودک

انسانها در آرزوی صمیمیت و محبتی هستند که از افراد دیگر به آنها می‌رسد. بخصوص در لحظات وقوع احساسات شدید، نگرانی‌های مهم و یا مشکلات جدی، فرد اغلب به احساس تنهایی دچار می‌شود و نیازمند حمایت، محبت و مهربانی دیگران است. (خلیلی، ۱۳۹۵، ص ۸۳) امام علی (علیه السلام) می‌فرماید:



«الْمُؤْمِنُ مَأْلُوفٌ وَلَا خَيْرَ فِيمَنْ لَا يَأْلَفُ وَلَا يُؤْلَفُ» (مجلسی، ج ۶۸، ص ۳۸۱) (مؤمن مورد انس قرار می‌گیرد. کسی که نه انس بگیرد و نه دیگران با او انس داشته باشند خیری در او نیست.) در این باب، حضرت علی (علیه السلام) بوسیدن کودک از سر محبت را با امور ارزشی و معنوی پیوند زده و آنرا موجب عنایت پروردگار میدانند «قُبْلَةُ الْوَالِدِ رَحْمَةٌ» (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۲۲۰) و امام صادق (علیه السلام) نیز، نوازش کردن کودک را سبب مغفرت و آمرزش پدر برمی‌شمرد (إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَيُرْحَمُ الرَّجُلَ لِحَنِّهِ حَبِّهِ لَوْلَا) (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۴۸۲) این تأکیدات بدین دلیل است که این نوع عواطف در عرصه رفتار، همانند یک انگیزه و محرک عمل می‌کند. بنابراین، نقش آن، در تلاش و کوشش انسان برای دفاع از خود، نگاهبانی از بقاء حیات و ایجاد زمینه‌های مناسب در موقعیت‌های مختلف و اظهار همدردی و خدمت به دیگران اساسی است. اما این نیاز زمانی که به صورت افراط در محبت، نوازش‌های بی حساب، مانع شدن از برخورد فرزندان با سختی و نازپرورده کردن آنان درآید، آسیب‌های جدی بر تربیت کودک دارد. آنان را ناتوان بار می‌آورد و در صحنه زندگی خلع سلاح می‌کند. بر این اساس گزاره‌های دینی در تدوین برنامه تربیت کودک اولیای وی را از زیاده‌روی در اعمال محبت برحذر داشته است. امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید: «شَرُّ الْآبَاءِ مَنْ دَعَا الْبَنِينَ إِلَى الْإِفْرَاطِ وَ شَرُّ الْإِبْنَاءِ مَنْ دَعَا الْتَقْصِيرَ إِلَى الْعُقُوقِ» بدترین پدران کسانی هستند که در نیکی و محبت نسبت به فرزندان از حد تجاوز کنند و به زیاده‌روی و افراط بگرایند) برخی از پیامدهای ناشی از افراط و تفریط در محبت عبارتند از:

– جری شدن فرزند نسبت به والدین

آنان که در مهر ورزی به فرزندان، افراط می‌کنند، آنان را بیماری خودپسندی و از خودراضی شدن مبتلا می‌نمایند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در پندی خطاب به امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: لعنت خدا را شامل بر پدر و مادری می‌داند که فرزند خویش را بد تربیت کنند و بدین طریق موجبات عاق خود را فراهم نمایند. «لَعَنَ اللَّهُ وَالِدَيْنِ حَمَلًا وَلَدَهُمَا عَلَى عُقُوبِهِمَا» (لعن الهی و دوری از فیض خداوند بر پدر و مادری باد که فرزند خویش را به عصیان و آزارخودشان وادارند و باعث قطع رابطه محبت شوند) (بحار الأنوار، ج ۷۴، ص: ۶۰)

– خودپسندی و انزجار اطرافیان از فرزند:

کودکی که سالها در محیط خانواده مستبدانه حکومت کرده و والدین از سر محبت، مطیع بی قید و شرط خواسته‌های او بوده‌اند، طبعاً تحت چنین تربیتی متوقع است تمام مردم مطیع اوامرش باشند،

بدیهی است آنکس که از جامعه چنین توقع بیجایی دارد مورد نفرت و انزجار مردم است. امام علی (علیه السلام) «مَنْ رَضِيَ عَنْ نَفْسِهِ كَثُرَ السَّخِطُ عَلَيْهِ» (حکمت ۲) هر کس از خویشستن خوشنود بود، خشم گیرنده بر او بسیار شود. از آنجا که این افراد، خود را صاحب اوصاف برجسته می‌دانند. هرگز حاضر نیستند از محضر دانشوران استفاده کنند از این رو خود را از مسیر علم آموزی و رشد و تعالی که شرط اساسی رسیدن به کمال است دور می‌سازند. حضرت علی (علیه السلام) در مورد ایشان می‌فرماید: «الْإِعْجَابُ يَمْنَعُ الْإِزْدِيَادَ» (حکمت ۱۶۰) (خودپسندی از بالندگی اندیشه باز می‌دارد).

- احساس حقارت

همان گونه که محبت افراطی آسیب‌زاست، کمبود محبت نیز ناهنجاری ایجاد میکند. کودکی که از محبت و تکریم والدین محروم است اگر قادر به ادامه حیات شود، دچار احساس حقارت، عجز و ناتوانی است. این امر می‌تواند منجر به ظهور و بروز بسیاری از رذائل شود. امیرالمؤمنین در مورد آنها می‌فرماید: «مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فَلَا تَرْجُحَ خَيْرَهُ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۰، ص ۲۶۳) هر که نفس او خوار باشد، به خیرش امیدی نیست. این امر بدین واسطه است که کمبود محبت، عواطف مثبت را کاهش می‌دهد، لذا شخصیت کودک از بعد عاطفی و اجتماعی دچار اختلال می‌شود؛ یعنی در برابر رنج و ناراحتی دیگران هیچ گونه احساس رحم و عطوفتی ندارد، احساس مسئولیت اندکی می‌کند در جنبه اخلاقی نیز کودکان دچار احساس حقارت، میل به تخریب، ضرب و جرح و آسیب رساندن به دیگران دارند. این امر سبب اتصال فرد به پستی‌هایی می‌شود که هرگز از او جدا نمی‌شود، و به شدت وی را از مرتبه انسانیت تنزل می‌دهد. امام علی (علیه السلام) با اشاره به این جدایی ناپذیری می‌فرماید: «النَّفْسُ الدِّينِيَّةُ لَا تَنْفَكُ عَنِ الدَّنَاءَاتِ» (تمیمی آمدی، ص ۲۳۲، حکمت ۴۶۴۲) نفس پست از پستی‌ها جدا نمی‌شود.

۴- بی‌توجهی به تفاوت‌های فردی

تفاوت‌های فردی به این معناست که انسان‌ها علائق اینک با یکدیگر شباهت‌هایی دارند، ولی از نظر ویژگی‌های شناختی، عاطفی، انگیزشی، بهره‌هوشی و صفات شخصیتی از همدیگر متمایزند. بر این اساس در تربیت کودک باید تفاوت‌ها را مدنظر قرار داد و گام‌های تربیتی متناسب با ظرفیت‌ها، استعدادها، قابلیت‌های کودکان انتخاب شود و پیشرفت کودک را متناسب با خود کودک و نه در مقایسه با سایر کودکان سنجید. خداوند می‌فرماید: «لَا يَكْفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» (قرآن کریم ۲: ۲۸۶)

خداوند هیچ کس را، جز به اندازه توانایش، تکلیف نمی‌کند) کودکی که بدون توجه به توانایی‌هایش از او تکلیف خواسته‌اند، دچار فشارهای روانی شدیدی می‌شود و در برقراری ارتباطات اجتماعی با مشکل مواجه می‌شود. امام علی (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: « فَلَا تُحْمَلَنَّ عَلَى ظَهْرِكَ فَوْقَ بِلَاغِكَ فَيَكُونَ نُقِيلاً وَوَبَالاً عَلَيَّكَ » (نامه ۳۱) (بیش از تحمل خود بار مسئولیت به دوش مگیر، که سنگینی آن برای تو عذاب آور است) رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فرموده: خداوند رحمت کند کسی را که فرزند خود را در نیکی و نیکوکاری یاری کند. سوال شد چگونه؟ حضرت فرمود: آن چه را که در توان اوست از او بپذیرد، و آن چه را که برایش طاقت فرسا است از او نخواهد، و او را به تکلیف مافوق طاقتش واندارد، و او را دچار سرگشتگی و شرمندگی نسازد. (کلینی، ج ۶، ص ۵۰)

۵- سرکوب کردن روحیه پرسشگری در فرزندان

بی‌توجهی و سرکوب کردن روحیه پرسشگری کودکان، آنها را در علم آموزی و یادگیری دچار بی‌ربطی می‌کند. کودک از ترس اینکه مبدا با پرسش‌های مکرر مورد بی‌مهری و آشفتگی والدین قرار گیرند از سؤال کردن خودداری می‌کنند و این رویه در دوره‌های بعدی رشد، پیشرفت و تعالی آنها را متاثر خواهد نمود. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: « مَنْ لَمْ يَتَعَلَّمْ فِي الصَّغَرِ لَمْ يَتَقَدَّمْ فِي الْكِبَرِ » (تمیمی آمدی، ص ۴۳) (هر که در خردسالی نیاموزد، در بزرگسالی پیشرفت نکند)

۶- بی‌توجهی به تربیت جنسی

از دیدگاه متون اسلامی، رشد جنسی کودک تابعی از رشد جسمی، روانی و فکری اوست؛ در دوران کودکی رشد غریزه جنسی بسیار آرام است، کندی غریزه جنسی به معنای عدم ظهور علائم و نشانگان حتی اندکی در زمینه مسائل جنسی نیست؛ بلکه احساسات و توجهات جنسی کودک اندک اندک نمودار می‌گردد (حاجی ده‌آبادی، ص ۱۱۴) بنابراین اگر قانون اختفای تمایل جنسی درست و کامل اجرا نشود، عوامل فعاله بلوغ زودتر از موعد مقرر در بدن کودک به کار افتند و غریزه جنسی قبل از موقع طبیعی خود آشکار گردد، عوارض نامطلوبی بر جسم و جان وی می‌گذارد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: « وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْ أَنَّ رَجُلًا غَشِيَ - امْرَأَتَهُ وَفِي الْبَيْتِ صَبِيٌّ مُسْتَقِظٌ يَرَاهُمَا وَيَسْمَعُ كَلَامَهُمَا وَنَفْسُهُمَا مَا أَقْلَحَ أَبَدًا إِذَا كَانَ غُلَامًا مَكَانَ زَانِيًا أَوْ جَارِيَةً كَانَتْ زَانِيَةً » (وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۱۶) (سوگند به آنکه جانم در دستان اوست،

اگر هنگام روابط زناشویی والدین در خانه، کودک بیدار باشد. آنان را بنگرد و سخنان‌شان را بشنود و نفس آنها را احساس کند، آن کودک رستگار نخواهد شد. اگر آن کودک پسر باشد یا دختر، زناکار می‌شود).

۷- عدم توجه به اصل تدرّج و تمکّن در تربیت

با در نظر گرفتن این مطلب که خداوند با توجه به سطح درک و فهم مردم به تدریج آیات و احکام را بیان می‌کرد (قرآن کریم ۱۷: ۱۰۶).^۱ برنامه‌های تربیتی کودک نیز باید با لحاظ مراحل رشد، اقتضائات آن دوران و در نظر گرفتن توان جسمی و عقلی وی و به طور کلی با رعایت اصل تدریج و تمکّن تنظیم گردد، تا فعل تربیتی به نتیجه مطلوب برسد. اگر تدریجی بودن تربیت و رعایت توانایی و قدرت افراد در امر تربیت آسیب ببیند، آسیب‌های جدی به ساختار تربیتی کودک وارد می‌شود. بنابراین انجام کارها پیش از زمان مقرر و پافشاری کردن بر آن، باعث هدر رفتن زحمات انسان است و مانع رسیدن به نتیجه مطلوب می‌شود. امام علی می‌فرماید: (چیننده میوه قبل از اوان رسیدنش، چون بذر افشان در غیر زمین صالح خود است). (خطبه ۵)^۲

۸- آرمان‌گرایی در تربیت و عدم توجه به واقعیات

هر یک از انسان‌ها از قابلیت‌هایی برخوردار و به محدودیت‌هایی گرفتار هستند، اما اگر والدین، عرصه تربیت را جایگاه آرمان‌گرایی و خیال‌پردازی و آمال از دست رفته خود کنند و یا بدون عدم ملاحظه مراتب کودک و با نادیده گرفتن توانایی‌ها و ناتوانی‌های آنان و عدم تطبیق برنامه‌ها و اقدامات متناسب با نیازها و مراحل تربیت، روند تربیت را به سوی اهداف سازمان دهند، بستر نابودی استعدادها و کودک را فراهم می‌کنند. امام علی (علیه السلام) «لَا تُفْسِرُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى آدَابِكُمْ، فَإِنَّهُمْ مَخْلُوقُونَ لَزَمَانٍ غَيْرِ زَمَانِكُمْ» (آداب و رسوم زمان خودتان را با زور و فشار به فرزندان خویش تحمیل نکنید زیرا آنان برای زمانی غیر از زمان شما آفریده شده‌اند). «ابن ابی الحدید، ۱۳۷۷، ج ۲۰ ص ۲۶۷»

۹- دروغ‌گویی و عهدشکنی والدین

یکی از آسیب‌هایی که تربیت را تهدید می‌کند، دروغ‌گویی و عدم پابندی به تعهدات است. خلف وعده، کودک را متجزی و پیمان‌شکن بار می‌آورد و او را به راه دروغ و فریب‌کاری سوق می‌دهد. به همین جهت در روایات اسلامی تأکید شده است به وعده‌های که به کودکان می‌دهید حتما وفا کنید.

۱. «وَقَوْلُهُ إِنَّا فَرَقْنَا لِيَتَّقَاهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مَكْتَبٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا»

۲. «وَمُخْتَبَى الثَّمَرَةَ لغيرِ وَقْتِ إِنبَاعِهَا كَالزَّرْعِ بغيرِ أَرْضِهِ»

امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «لَا يَضْلُحُ مِنَ الْكُذِبِ جِدٌّ وَلَا هَزْلٌ وَلَا أَنْ يِعْدَا أَحَدُكُمُ صِيَةَ ثُمَّ لَا يَفِي لَهُ إِنَّ الْكُذِبَ يَهْدِي إِلَى الْفُجُورِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۹، ص ۲۵۹) (دروغ چه جدی و چه شوخی ناپسند است و مصلحت نیست کسی به فرزند خود وعده‌ای بدهد و وفا نکند، زیرا دروغ، انسان را به هرزگی و بی‌بند و باری می‌کشاند که نتیجه آن آتش جهنم است).

۱۰- تشویق و تنبیه

تشویق به معنای برانگیختن، راغب ساختن و به شوق آوردن است (عمید، ۱۳۵۹، ص ۳۹۱)، و تنبیه به معنای بیدار کردن، ادب کردن، آگاه کردن و هشیار ساختن است. (عمید، ۱۳۵۹، ص ۴۱۹) تشویق و تنبیه از جمله الگوهای تربیتی است که برای آگاه کردن فرد نسبت به کارهای مثبت یا منفی اش انجام می‌شود و در شکل‌گیری هنجارها نقش مهمی دارد.^۱ (نامه ۵۳) بنابراین زمانی مؤثر و کارساز است که مبتنی بر آدابی صحیح و رعایت هم‌ترازی میان تشویق و تنبیه و نوع رفتار کودکان انجام گیرد و در غیر این صورت، نه تنها نتیجه‌ای نخواهد داشت بلکه به نتایج عکس و آسیب‌های جبران‌ناپذیر شخصیتی و روحی و اجتماعی منجر خواهد شد. کوتاهی در تنبیه موجب تکرار خطا و افراط در تنبیه موجب استیصال و درماندگی کودک می‌شود. بنابراین زیاده روی یا کوتاهی در تشویق و تنبیه، حکمت و فلسفه آن را از بین می‌برد و آثار سوء تربیتی برجای می‌گذارد. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می‌فرماید: «الْتِنَاءُ بِاِكْتِرَافٍ مِنَ الْاِسْتِحْقَاقِ مَلَقٌ وَالتَّقْصِيرُ عَنِ الْاِسْتِحْقَاقِ عَيْءٌ اَوْ حَسَدٌ» (حکمت ۳۷۴) (تعریف بیشتر از استحقاق، چاپلوسی و کمتر از آن، ناتوانی یا حسدورزی است)

۱۱- سرزنش

در مباحث تربیتی زمانی از سرزنش استفاده می‌شود که موقعیت بحرانی است و افراد حقیقت را با برهان و استدلال دریافته‌اند، اما خود را به اقدام و اجرای وظیفه مکلف نمی‌کنند. اما یکی از مواقعی که این عامل کارایی خود را از دست می‌دهد زمانی است که والدین در کمال گرابی افراطی قرار گیرند و برای رساندن کودک به کمال عجله دارند، نمیتواند اشتباهات وی را تحمل کنند. این موضوع سبب می‌شود تا برای هر کار کوچک یا بزرگی کودک را سرزنش کنند. افراط در سرزنش سبب بی‌اثر شدن سرزنش و

۱. «لَا يَكُونَنَّ الْمُحْسِنُ وَالْمَسِيءُ عِنْدَكَ بِمَثَلَةٍ سَوَاءٍ، فَإِنَّ ذَلِكَ تَرْهِيدُ الْاَهْلِ الْاِحْسَانِ فِي الْاِحْسَانِ، وَتَدْرِيْبُ الْاَهْلِ الْاِسْاَاءَةِ عَلَى الْاِسْاَاءَةِ اَوْ اَلْزَمَ كُلُّ اَمْتُهُمْ مَا اَلَزَمَ نَفْسَهُ» (هرگز نباید نیکوکار و بدکار در نزد تو یکسان باشند، که آن، رغبت نیکوکار را در نیکی کم کند، و بدکار را به بدی وادار نماید، و هر یک از ایشان را مطابق کارش جزا ده)

ایجاد حالت دفاعی در کودک میشود که به صورت لجاجت، کینه و دشمنی و پافشاری در رفتار نادرست خود را نشان می‌دهد. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «الْإِفْرَاطُ فِي الْمَلَامَةِ يَشْبُ نِيرَانَ الْجَاحَةِ»^۱ زیاده روی در سرزنش آتش لجاجت را شعله ور می‌سازد. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴، ص ۲۱۲) حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «إِيَّاكَ أَنْ تُكْرِرَ الْعُتْبَ فَإِنَّ ذَلِكَ يَغْرِي بِالذَّنْبِ وَيَهْوِنُ الْعُتْبَ» (همان، ج ۳، ص ۲۳) (از تکرار ملامت بپرهیز که حرص بر گناه می‌آورد و سرزنش را بی‌ارزش می‌کند).

۴. محیط جغرافیایی و طبیعی

نوع آب و هوا، گرما و برودت، نوع مکان زندگی، محیط کوهستانی، ساحلی و جز اینها در ساختار جسمی و روحی انسان و در خلق و خوی و رفتار وی تأثیرگذار است. با توجه به این عامل، امام علی علیه السلام در سرزنش مردم بصره می‌فرماید: «أَرْضُكُمْ قَرِيبَةٌ مِنَ الْمَاءِ بَعِيدَةٌ مِنَ السَّمَاءِ خَفَّتْ عُقُولُكُمْ وَسَفِهَتْ حُلُومُكُمْ فَأَنْتُمْ غَرَضٌ لِنَابِلٍ وَأُكْلَةٌ لِأَكْلٍ وَفَرَسَةٌ لِصَائِلٍ»^۱ (خطبه ۱۴) سرزمین شما به آب نزدیک است، و دور از آسمان، خردهایتان اندک است و سفاهت در شما نمایان، نشانه تیر بلائید و طعمه لقمه ربایان و شکار حمله کنندگان). امام علی علیه السلام شور بودن آب بصره به علت مخلوط شدن آب با آب دریا و نیز گندیده بودن خاک آنجا را به خاطر رسوب فراوان آب مطرح نموده که چنین محیط زندگی موجب بروز عوارض نامطلوب در خلقیات و روحیات است و نکوهش امیرمؤمنان علی علیه السلام بدین سبب است که آن مردم خود این محیط جغرافیایی و طبیعی را برگزیده‌اند. (بحرانی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۹۱) و تلاشی جهت تغییر آن نمی‌کردند. امام علی علیه السلام هم چنین درباره نحوه زندگی عرب جاهلی و تأثیر محیط جغرافیایی و طبیعی بر خلقیات و رفتار آنها همزمان با بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «وَأَنْتُمْ مَعْشَرَ الْعَرَبِ عَلَى شَرِّ دِينٍ، وَفِي شَرِّ دَارٍ، فَمِنْخُونَ بَيْنَ حِمَارٍ وَخُسْنٍ، وَحَيَاتٍ صُمْ، تَشْرَبُونَ الْكَدِرَ، وَتَأْكُلُونَ الْجُشْبَ، وَتُسْفِكُونَ دِمَاءَ كَرٍّ، وَتَقْطَعُونَ أَرْحَامَكُمْ، الْأَصْنَامُ فِيكُمْ مَنُصُوتَةٌ، وَالْأَنْثَامُ بِكُمْ مَعْصُوتَةٌ»^۱ (خطبه ۲۶) (آن هنگام شما ای مردم عرب بدترین آیین را برگزیده بودید، و در بدترین سرای خزیده. منزلگاهتان سنگستان‌های ناهموار، همنشین‌تان گرزها مارهای زهردار. آبتان تیره و ناگوار، خوراکتان گلو آزار. خون یکدیگر را ریزان، از خویشاوند بریده و گریزان. بتهاتان همه جا بر پا، پای تا سر آلوده به خطا).

۱. (سرزمین شما به آب نزدیک و از آسمان دور است، عقل‌های شما سست و افکار شما سفیهانه است پس شما نشانه ای برای تیرانداز، و لقمه ای برای خورنده، و صیدی برای صیاد می‌باشید.)

بی شک زندگی در محیطی خشن و همراه با درگیری و جنگ، روحیه فرد را به سوی خشونت و جمود و خود محوری می‌کشاند، چنانکه عرب جاهلی به هیچ وجه خود را پایبند قانون و مقررات نمی‌دید و به زندگی مدنی و آداب و مقررات آن به دیده بی‌اعتنایی و حتی ریشخند می‌نگریست. (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹، ص ۲۱۳) بنابراین آنچه در کلام معصوم (علیه السلام) آمده است تأثیرات محیط جغرافیایی در خلقیات و روحیات مردمان به خوبی قابل مشاهده و مقایسه است. لذا توجه به محیط جغرافیایی و طبیعی به عنوان عاملی تربیتی ضروری است.

نتیجه‌گیری

توجه به تربیت، توجه به حیاتی‌ترین مقوله انسانی است، زیرا همه خوبی‌ها و زشتی‌ها، سامان‌ها و نابسامانی‌ها، صلاح‌ها و فسادها، سعادت‌ها و شقاوت‌های جامعه بشری به نوع تربیت باز می‌گردد و تربیت زمینه و بستر نیکبختی و نگون‌بختی بشریت است، انسان ذاتاً موجودی است مستعد همه‌الایی‌ها و هم‌چنین همه تباهی‌ها؛ و این گونه شدن یا آن گونه گردیدن به نوع تربیت آدمی بسته است. (دلشاد تهرانی، ص ۳۷) بر این اساس یکی از مهم‌ترین خواسته‌ها و دغدغه‌های دین اسلام هدایت انسان‌ها در مسیر تربیت صحیح است تا به رشد، سعادت و کمال مطلوب دست یابند. اما این مسیر همواره با موانع و آسیب‌های مختلفی پوشیده شده است. شناخت عوامل آسیب‌زا، در واقع تعیین‌کننده ضوابط و هنجارهای حاکم بر فرآیند تربیت است. بنابراین عرصه تربیت به قدری مهم است که اگر، ناچیز تلقی گردد بسیاری از اقدامات تربیتی نقش سازندگی خود را از دست داده و آثار مخربی را برجای می‌گذارد. بنابراین با توجه حساسیت تربیت‌پذیری در دوران کودکی و اینکه کودک اراده کمتری از خود دارد و و دائماً در حال الگوگیری و تحت تاثیر اطرافیان و به خصوص والدین خود قرار دارد، بنابراین آسیب‌شناسی خصوصیات شخصیتی و رفتاری والدین نقش موثری در افزایش کارآمدی شیوه‌های تربیتی در ابعاد مختلف خواهد داشت.

تربیت کودک متاثر از خصوصیات اخلاقی، عقیدتی، شخصیتی، رفتاری و سایر گرایش‌ها و نیازهای والدینش است. از آنجا که گرایش‌ها، منش و رفتارهای والدین و بلکه همه انسانها برخاسته از نوع اندیشه و میزان معرفت آنها نسبت به مسائل پیرامون است، بنابراین از منظر امام علی (علیه السلام) ضعف معرفتی و نداشتن دیدگاه الهی و واقع‌گرا در هستی‌شناسی، اهداف آفرینش و فلسفه خلقت و مرگ باوری و زندگی اخروی، گسترده‌ترین و عمیق‌ترین آسیب را بر نوع تربیت والدین وارد می‌سازد. این مساله از آنجا نشئت می‌گیرد که باورهای دینی و مذهبی بر مؤلفه‌های شناختی افراد از جمله نوع تفکر و تفسیر وقایع، تأثیر



بسزایی می‌گذارد (کهساری؛ خلیلی، ۱۳۹۹، ص ۱۵۳) و چرخش عظیمی در بعد نگرشی و معنوی ایجاد می‌کند که باعث افزایش و تقویت پیوندهای اجتماعی، پرورش و رشد شخصیت انسان در ابعاد مختلف عاطفی، اجتماعی، اخلاقی در گسترده فردی و اجتماعی است. فقدان یا بی‌توجهی والدین نسبت این معارف، بالتبع به تربیت کودک در همه این ابعاد آسیب وارد می‌سازد. با توجه به اینکه شکل‌گیری شخصیت در لحظه اتفاق نمی‌افتد بلکه فرایندی است که در بستر زمان اتفاق می‌افتد برخی از این آسیب‌ها به دوران پیش از تولد و حتی ازدواج زن و مرد برمیگردد. بنابراین قسمتی از این خصوصیات از طریق وراثت به کودک تحمیل می‌شود و برخی مربوط به خصوصیات روحی روانی و نوع تغذیه والدین برمی‌گردد، که همه این موارد در واقع همان عامل‌های زمینه‌ای پیش از تولد کودک محسوب می‌شوند. البته تاثیر نوع تغذیه و سلامت آن در تربیت به تمام عمر آدمی مربوط شده و اختصاص به دوران پیش از تولد و یا جنینی ندارد.

علاوه بر موارد فوق برخی عامل‌های مهم و اثرگذار رفتاری در شیوه برخورد با کودکان وجود دارد که گزاره‌های دینی در همه موارد مقید به تعیین دقیق حدود، میزان و زمان بکارگیری آنها در تربیت کودک است. این مرزبندی، عامل اساسی تعیین محدوده رفتارهای تربیتی صحیح از ناصحیح محسوب می‌شود. به نظر می‌رسد وجود این معیارهای مشخص و قطعی علاوه بر اینکه به والدین در حیطه عملکردشان، اطمینان خاطر می‌بخشد. آسیب‌های پنهان، بالقوه و احتمالی که همان حالت‌های افراطی و تفریطی در شیوه‌هایی تربیتی و پاسخگویی به نیازهای کودک است را نیز در بطن خود جای داده است. بنابراین همانگونه که، باور به صحت عملکرد، استحکام و تداوم رفتار را در پی خواهد داشت شناسایی آسیب‌ها نیز تضمین‌کننده رفتارها و تربیت صحیح خواهد بود. از آنجا که لازمه وقوع این رفتارها مواجهه والدین و کودکان با یکدیگر و زیست همزمان آنها با هم است، این موارد تحت عنوان عوامل آسیب‌رسان رفتاری جای گرفته است.

منابع

۱. آراسته‌خو، محمد، ۱۳۸۱ش، فرهنگ اصطلاحات علمی اجتماعی، تهران: چاپخش.
۲. ابن‌ابی‌الحدید، عزالدین ابوحامد، ۱۳۷۷ش، شرح نهج‌البلاغه، تصحیح: محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: کتابخانه عمومی آیه الله مرعشی نجفی.
۳. بابازاده، علی اکبر، ۱۳۷۵ش، مسائل ازدواج و حقوق خانواده، تهران: دفتر تحقیقات و انتشارات بدر.
۴. بحرانی، میثم‌بن‌علی‌بن‌میثم، ۱۳۶۲ش، شرح نهج‌البلاغه، تهران: الکتاب.
۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد، ۱۳۶۶ش، تصنیف غررالحکم و درر الکلم، قم: دفتر تبلیغات.
۶. حر عاملی، محمدبن‌الحسن، ۱۴۰۹ق، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم: مؤسسه آل‌البتین (علیه السلام).
۷. حرّانی، الحسن‌بن‌علی (ابن‌شعبه)، ۱۴۰۴ق، تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، محقق: علی اکبر غفّاری، قم: موسسه النشر الاسلامی.
۸. خلیلی، شهربانو؛ خلیلی، رقیه، ۱۳۹۵ش، تطبیق حکمتها و عبرتها فی نهج‌البلاغه و شاهنامه، تهران: آراسته.
۹. دلشاد تهرانی، مصطفی، ۱۳۷۹ش، ماه مهرپرور (تربیت در نهج‌البلاغه)، تهران: دریا.
۱۰. دین پرور، سید جمال الدین، ۱۳۷۹ش، نهج‌البلاغه پارسی، تهران: بنیاد نهج‌البلاغه.
۱۱. سیدرضی، محمدبن‌الحسین، ۱۴۱۴ق، نهج‌البلاغه، تصحیح: صبحی صالح، بی‌تا، قم: موسسه دار الهجره.
۱۲. صدوق، ابن‌بابویه قمی (محمدبن‌علی‌بن‌حسین)، ۱۴۰۴ق، من لایحضره الفقیه، قم: جامعه مدرسین.
۱۳. طبرسی، حسن، ۱۳۷۰ش، مکارم الأخلاق، قم: شریف رضی.
۱۴. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، ۱۴۱۵ق، نور الثقلین، محقق: سید هاشم رسولی محلات، قم: انتشارات اسماعیلیان.
۱۵. عمید، حسن، ۱۳۵۹ش، فرهنگ عمید، تهران: امیرکبیر.
۱۶. فرجی، نسیم، ۱۳۹۴ش، مطالعه تطبیقی آرای محمد غزالی و مرتضی مطهری در تعلیم و تربیت و مبانی آن، دانشگاه پیام نور، واحد جنوب، تهران.
۱۷. قمی، عباس، ۱۴۱۴ق، سفینه البحار، قم: اسوه.



۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۸۸، *الکافی*، محقق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۹. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، بیروت: مؤسسه الوفا.
۲۰. مطهری، مرتضی، ۱۳۶۹ش، *تعلیم و تربیت در اسلام*، قم: صدرا.
۲۱. معین، محمد، ۱۳۸۶ش، *فرهنگ فارسی معین*، تهران: میلاد.
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر، و همکاران، ۱۳۷۷ش، *اخلاق در قرآن*، قم: انتشارات امام علی بن ابیطالب (علیه السلام).
۲۳. نوری، میرزا حسین، ۱۴۰۸ق، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، بیروت: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث.

مقالات

۲۴. رضانی، فاطمه؛ حیدری، مسعود. ۱۳۹۱ش. روش‌های تربیت اجتماعی کودک بر اساس قرآن و نهج البلاغه. *پژوهش در برنامه ریزی درسی*، سال نهم، ۲(۶)، صص ۱۹-۶.
۲۵. زهره کاشانی، علی اکبر. ۱۳۸۸ش. اصول تربیت دینی از منظر آیات و روایات. *اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، ۱(۲)، صص ۱۶۹-۲۰۲.
۲۶. سنگ سفیدی، رضا؛ میرزایی، سیدحسین؛ عنایتی، سعید؛ فتحی، حسین. ۱۳۹۴ش. بررسی نقش معلمان در رابطه با فعالیت‌های تربیتی-اجتماعی دانش‌آموزان. *همایش ملی آموزش ابتدایی*، ۱، صص ۱۵۰۰-۱۴۸۸.
۲۷. فانی، مهدی؛ عبدالجباری، مرتضی. ۱۳۹۶ش. ملاک انسان سالم از نگاه متون دینی. *پژوهش در سلامت و دین*، ۴(۱)، صص ۱۱۷-۱۰۴.
۲۸. کاویانی، صدیقه؛ نوروزی، رضاعلی. ۱۳۹۸ش. آسیب شناسی تربیت دینی در حیطه فردی از منظر نهج البلاغه. *پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، ۲۷(۴۲)، صص ۲۶-۵.
۲۹. کهساری، رضا؛ خلیلی، رقیه. ۱۳۹۹ش. بررسی تطبیقی رویه‌های شاخص برون‌گرایی شخصیت از منظر روان‌شناسی و متون اسلامی. *پژوهش در دین و سلامت*، ۶(۳)، صص ۱۵۶-۱۳۹.
۳۰. مقدسی راد، اکرم، ۱۳۹۴ش، آسیب شناسی تربیت دینی در نوجوانان با رویکرد روایی، *دانشگاه اراک*، دانشکده علوم انسانی گروه الهیات.